

کتاب دانیال - شماره هفتاد و شش

برداشتن مهر و موم از پیشگویی‌ها: نپذیرفتن نور در سال ۱۸۵۶ و پیامدهای آن

Jeff Pippenger

2024-02-09

در سال ۱۸۵۶ مهر و موم نور «هفت زمان» شکسته شد و تا سال ۱۸۶۳ آن نور رد شد. پیامبری از یهودا آن نور را نزد پادشاه شریر، یربعام، آورد و یربعام آن نور را رد کرد. اشعیا همان نور را نزد پادشاه شریر، آحاز، آورد و او نیز آن نور را رد کرد. به سبب رد کردن نوری که با حوض شیلوح مرتبط بود، پادشاهی‌های یربعام (شمالی) و آحاز (جنوبی) به ترتیب در سال‌های ۷۲۳ و ۶۷۷ پیش از میلاد به دست شاهی از شمال به بردگی کشیده شدند.

موسی در زمان شورش هارون، اشعیا در کنار آحاز، و ارمیا در کنار دیگر پادشاهان، نماینده وفاداران تاریخ جنبش میلری بودند که همگی پیام‌آوران نور را در شورش روزهای آخر نمایندگی می‌کردند. «بحران نخست» روزهای آخر در سال ۱۸۶۳ و «آخرین بحران» روزهای آخر یعنی «زلزله عظیم» باب یازدهم مکاشفه (قانون یکشنبه که به زودی فرا می‌رسد)، به وسیله همه این خطوط نبوتی نماینده شده‌اند. پیامبر از یهودا نماینده پیامبری است که از مسئولیت خود عقب‌نشینی کرد و در نهایت در همان قبری که پروتستانیسم مرتد در آن است به خاک سپرده می‌شود. مرگ و دفن او در پاسخ به انتخابش برای خوردن و نوشیدن از خوراکی پیامبر دروغین بیت‌ئیل بود.

داوری مغلوب شدن به دست پاییت (پادشاه آشور) در زمان قانون یکشنبه، که به صورت نمادین با پراکندگی پادشاهی‌های شمالی و جنوبی یربعام و آحاز نشان داده شده بود، با سرنوشت پیامبر یهودایی هم‌خوان است، زیرا او میان یک «شیر» و یک «الغ» مرد. «شیر» نماد بابل است که در روزهای آخر همان پاییت است.

و بعد از آنکه نان خورده و نوشیده بود، برایش خر را زین کرد، یعنی برای آن نبی که او را بازگردانده بود. و چون او رفت، شیری در راه به او برخورد و او را کشت؛ جسدش در راه افتاده بود و خر در کنار آن ایستاده بود، و شیر نیز در کنار جسد ایستاده بود. و اینک مردانی می‌گذشتند و جسد افتاده در راه و شیری را که کنار جسد ایستاده بود دیدند؛ پس آمدند و آن را در شهری که آن نبی پیر در آن ساکن بود خبر دادند. و چون آن نبی که او را از راه بازگردانده بود این را شنید، گفت: این مرد خداست که نسبت به کلام خداوند نافرمانی کرد؛ از این‌رو خداوند او را به دست شیر سپرده است، و شیر او را دریده و کشته است، مطابق کلام خداوند که به او گفته بود. و به پسران خود گفت: خر را برایم زین کنید. و آنان خر را برایش زین کردند. و او رفت و جسد آن مرد را که در راه افتاده بود یافت، و خر و شیر را دید که کنار جسد ایستاده بودند؛ شیر نه جسد را خورده بود و نه خر را دریده بود. آنگاه نبی جسد مرد خدا را برداشت و بر خر نهاد و آن را بازگرداند؛ و نبی پیر به شهر آمد تا بر او سوگواری کند و او را به خاک بسپارد. و جسد او را در قبر خود نهاد؛ و بر او سوگواری شدند و گفتند: وای، برادر من! و بعد از آنکه او را به خاک سپرد، به پسران خود گفت: چون مردم، مرا در همان قبری که مرد خدا در آن مدفون است به خاک بسپارید؛ استخوان‌هایم را کنار استخوان‌های او بگذارید. زیرا آن سخنی که به کلام خداوند بر مذبح بیت‌ئیل و بر همه خانه‌های بلندی‌ها که در شهرهای سامره است ندا داد، حتماً تحقق خواهد یافت. اول پادشاهان ۱۳:۱۱-۱۳:۳۳.

پیامبر یهودا میان دو نماد جان سپرد. شیر نماد بابل است، و بابل مدرن در ایام آخر پادشاه شمال است که در کتاب دانیال، باب یازدهم، آیه چهل‌وپنج، بی‌آنکه کسی یاری‌اش کند به پایان خود می‌رسد. نشان اقتدار او پرستش خورشید است که چهارمین رجس است، و در کتاب حزقیال باب هشت، نسل چهارم

ادونتیسیم لاودیکیه‌ای در حال سجده به سوی خورشید به تصویر کشیده می‌شود. در رؤیای میلر به او نشان داده شد که نه تنها جواهرات پراکنده و پوشانده شدند، بلکه خود صندوقچه که نمایانگر کتاب مقدس بود نیز از هم گسیخته شد.

در نسل سوم ادونتیسیم، کار معرفی استفاده از ترجمه‌های به اصطلاح مدرن کتاب مقدس توسط رهبری ادونتیسیم ترویج شد. آن ترجمه‌های به اصطلاح مدرن از مجموعه‌ای تحریف‌شده از نسخه‌های خطی برگرفته شده بودند که توسط الهی‌دانان مرد گناه و پروتستانتیسیم مرتد ترویج می‌شوند. صندوقچه میلر ترجمه کینگ جیمز بود که از نسخه‌های خطی تحریف‌نشده ترجمه شده بود.

تا نسل چهارم ادونتیسیم لاودیکیه‌ای، کلیسا به شورای جهانی کلیساها، که اتحادی از کلیسای رومی و دخترانش است، پیوسته بود. ادونتیسیم سال‌ها، برای دلخوشی گله خفته‌شان، استدلال می‌کرد که آنها در شورای جهانی کلیساها صرفاً «ناظر» بوده‌اند، تا اینکه اساسنامه آن اتحاد شریر آشکار کرد که جایگاه یک «ناظر» به منزله عضو تمام‌عیار دارای حق رأی است!

در چهارمین نسل خود، آن‌ها دو بار به «مرد گناه» مدال طلا اعطا کردند. دست‌کم یکی از آن مدال‌ها با برداشت کاتولیکی از بازگشت دوم مسیح نقش بسته بود؛ عیسی را به تصویر می‌کشید که در بازگشتش پای خود را بر زمین می‌نهد، و پشت سر مسیح هاله خورشیدی کاتولیکی داشت، و همچنین تلخیص کاتولیکی فرمان چهارم را که به سادگی نوشته بود: «روز سبت را به یاد داشته باش». در یک رسیدگی قضایی (که یک اعلامیه قانونی است)، رئیس کنفرانس عمومی شهادت داد و در آن تصریح کرد که کلیسای ادونتیست روز هفتم پیش‌تر معتقد بود که نظام پاپی ضد مسیح است، اما کلیسای او مدت‌ها پیش آن باور را «به زباله‌دان تاریخ» سپرده است.

رجاست چهارم (نسل) جایی است که بیست‌وپنج رهبر کلیسای اورشلیم در برابر خورشید سجده می‌کنند. رجاست پی‌درپی با «تصویر حسد» که در ورودی نصب شده و نشانه آغاز بود، آغاز شدند. پیامبر از یهودا سرانجام همراه با پروتستانتیسیم مرتد دفن می‌شود و شیر (بابل) او را می‌کشد، زیرا به روش پروتستانتیسیم مرتد بازگشت و از این‌رو نمی‌تواند تشخیص دهد که این روم است که بینش را تثبیت می‌کند؛ و جایی که هیچ بینشی به وسیله نماد مرد گناه تثبیت نشده است، سرانجام در جانب مرد گناه قرار می‌گیری.

«کسانی که در فهم واژه دچار سردرگمی می‌شوند و معنای ضد مسیح را در نمی‌یابند، مسلماً خود را در جانب ضد مسیح قرار خواهند داد.» مجموعه کرس، 105.

پیامبر یهودا را همراه با پیامبر دروغ‌گوی بیت‌ئیل، که او را «برادر» خود خوانده بود، به خاک سپردند، و او مرده میان دو نماد یافت شد. «شیر» نشان‌دهنده ناتوانی او در درک ضد مسیح بود و «الاع» نمادی از اسلام است. ادونتیسیم لاودیکایی با سکوت خود درباره ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از پیش نشان داده است که تشخیص نمی‌دهد که موضوع اسلام در وای سوم همان «فریاد نیم‌شب»، یعنی پیام باران پسین است. نشناختن پیام باران پسین مرگ است! باران پسین در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، هنگامی که فرشته نیرومند مکاشفه باب هجده فرود آمد، آنگاه که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک به زیر افکنده شدند. «باران» پیامی است، و برای دریافت آن باید این پیام را شناخت.

ما نباید منتظر باران پسین بمانیم. این باران بر همه کسانی فرو می‌ریزد که شینم و رگبارهای فیضی را که بر ما می‌بارد، بشناسند و از آن بهره‌مند شوند. وقتی ذرات نور را گرد می‌آوریم، وقتی رحمت‌های استوار خدا را—که دوست دارد ما به او اعتماد کنیم—قدر می‌دانیم، آنگاه هر وعده‌ای تحقق خواهد یافت. [اشعیا ۶۱:۱۱ نقل شده است]. تمام زمین باید از جلال خدا پر شود. تفسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، صفحه ۹۸۴.

«تمام زمین» می‌داند در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چه رخ داد، اما برای دریافت آن پیامی که از همان‌جا آغاز می‌شود و در نهایت تمام زمین را با جلال خدا منور می‌سازد، لازم است پیام بازشناخته شود. واژه «recognize» به معنای «به یاد آوردن یا باز یافتن آگاهی از چیزی است، خواه با اذعان به آن دانسته یا بدون آن. ما شخصی را از دور بازمی‌شناسیم، وقتی به یاد می‌آوریم که پیش‌تر او را دیده‌ایم یا اینکه قبلاً او را می‌شناختیم. چهره یا صدای او را بازمی‌شناسیم.» فرهنگ لغت وبستر، ۱۸۲۸.

تنها راهی که یک ادونتیست لاودیکایی بتواند پیام باران آخر را که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رسید، تشخیص دهد، این است که دریابد که پیش‌تر همان تجلی قدرت الهی را دیده است. در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، فرشته نیرومند باب دهم مکاشفه یوحنا فرود آمد، هنگامی که نبوت وای دوم اسلام تحقق یافت. آن تاریخ به‌طور کامل تکرار شد، وقتی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرشته نیرومند باب هجدهم مکاشفه یوحنا فرود آمد، زمانی که نبوت وای سوم اسلام تحقق یافت؛ و شناختن اسلام وای سوم، یعنی به‌دوش برده شدن توسط خر وحشی عربی به سوی مرگی که شیر بابل مدرن به بار می‌آورد.

مستان افرایم که کتاب مهر و موم‌شده را نمی‌توانند بخوانند، قادر به دیدن تکرار تاریخ میلرایتی نیستند، زیرا آن شناخت بر روش‌شناسی باران پسین «خط بر خط» استوار است. این مفهوم که ظهور قدرت خدا در تاریخ میلرایتی در ایام آخر تکرار می‌شود، با روش‌شناسی پروتستان‌تیسیم مرتد و کاتولیسیم قابل دفاع نیست.

فرشته‌ای که در اعلام پیام فرشته سوم شرکت می‌کند، قرار است با جلال خود تمام زمین را روشن سازد. در این‌جا کاری با گستره‌ای جهانی و قدرتی بی‌سابقه پیشگویی شده است. جنبش ظهور ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ تجلی‌ای باشکوه از قدرت خدا بود؛ پیام فرشته نخست به هر مرکز تبشیری در جهان رسانده شد، و در برخی کشورها بزرگ‌ترین علاقه دینی مشاهده شد که از زمان اصلاحات قرن شانزدهم در هر سرزمینی دیده شده است؛ اما همه این‌ها را جنبش توانمندی که تحت آخرین هشداری فرشته سوم خواهد بود، پشت سر خواهد گذاشت. مناقشه عظیم، ۶۱۱.

رهبران نابینای اسرائیل معاصر، به موجب روش‌شناسی خود، ناگزیرند این حقیقت را رد کنند که در ایام آخر، تجلی قدرت خدا بار دیگر تکرار خواهد شد، چنان‌که در سال‌های پیشین بود.

"اینجا می‌بینیم که کلیسا—حرم خداوند—نخستین بود که ضربت خشم خدا را احساس کرد. مشایخ، آنان که خدا نور عظیمی به ایشان داده بود و به‌عنوان نگهبانان مصالح روحانی قوم ایستاده بودند، به امانت خود خیانت کردند. آنان چنین موضعی اتخاذ کرده بودند که دیگر لازم نیست مانند روزگاران پیشین در پی معجزات و نمود آشکار قدرت خدا باشیم. زمانه عوض شده است. این سخنان بی‌ایمانی آنان را تقویت می‌کند و می‌گویند: خداوند نه نیکویی خواهد کرد و نه بدی. او آن قدر رحیم است که قوم خود را به داوری درنخواهد کشید. از این رو، 'سلامتی و امن' فریاد مردانی است که دیگر هرگز صدای خود را چون شیپور بلند نخواهند کرد تا به قوم خدا خطاهایشان و به خانه یعقوب گناهانشان را بنمایانند. این سگ‌های گنگ که پارس نمی‌کنند همان‌هایی‌اند که انتقام عادلانه خدای رنجیده را می‌چشند. مردان، دوشیزگان و کودکان خردسال همه با هم هلاک می‌شوند." شهادت‌ها، جلد ۵، ص ۳۱۱.

عالمانی که بر عامیان اورشلیم حکم می‌رانند، به کوری لاودیکایی دچارند و قادر به شناخت باران آخر نیستند؛ زیرا نه‌تنها از روش‌شناسی کتاب مقدسی تحریف‌شده‌ای بهره می‌گیرند، بلکه نتایج استدلال باطل‌شان آنان را در موضعی قرار می‌دهد که هر ظهور آینده‌ای از قدرت خدا را، چنان‌که در اعصار گذشته بود، انکار خواهند کرد. با این همه، ملاکی باب سه تصریح می‌کند که چون فرستاده عهد پسران لاوی را پاک سازد، آنگاه هدیه همچون ایام قدیم خواهد بود.

شاهد حقیقی اعلام می‌کند: «من از اعمال تو آگاه‌ام.» «توبه کن و کارهای نخستین را به‌جا آور.» این آزمون راستین است، شاهی بر اینکه روح خدا در دل کار می‌کند تا تو را از محبت خود سرشار سازد. «به‌زودی نزد تو می‌آیم و چراغدانان را از جایش برمی‌دارم، اگر توبه نکنی.» کلیسا مانند درخت بی‌ثمر است که با آنکه شبنم و باران و آفتاب را دریافت می‌کند و باید فراوان میوه می‌آورد، اما جست‌وجوی الهی جز برگ بر آن نمی‌یابد. اندیشه‌ای بس سنگین برای کلیساهای ما! و در حقیقت برای هر فرد! شگفت است شکیبایی و بردباری خدا؛ اما «اگر توبه نکنی»، به پایان خواهد رسید؛ کلیساهای نهادی ما، از ضعفی به ضعف دیگر خواهند رفت، از تشریفات سرد به مردگی، در حالی که می‌گویند: «من دولت‌مندم و به دارایی افزوده‌ام و به هیچ چیز نیاز ندارم.» شاهد حقیقی می‌گوید: «و نمی‌دانی که تو بدبخت و بینوا و فقیر و کور و عریان هستی.» آیا هرگز وضعیت خود را به‌روشنی خواهند دید؟

در کلیساهای جلوه‌ای شگرف از قدرت خدا پدید خواهد آمد، اما بر کسانی که خود را در حضور خداوند فروتن نکرده و در دل را با اعتراف و توبه نگشوده‌اند اثر نخواهد گذاشت. در ظهور آن قدرت که زمین را با جلال خدا روشن می‌سازد، آنان تنها چیزی خواهند دید که در کوری خود آن را خطرناک می‌پندارند؛ چیزی که بیم‌هایشان را برمی‌انگیزد و خود را برای مقاومت در برابر آن آماده خواهند کرد. چون خداوند مطابق اندیشه‌ها و انتظارات آنان عمل نمی‌کند، با آن کار مخالفت خواهند کرد. می‌گویند: «چرا ما روح خدا را نشناسیم، وقتی سالیان بسیار در این کار بوده‌ایم؟» — زیرا آنان به هشدارها، به التماس‌های پیام‌های خدا پاسخ ندادند، بلکه پیوسته گفتند: «دولتمندم، توانگر شده‌ام، و به هیچ چیز احتیاج ندارم.» استعداد و تجربه طولانی، مردان را مجرای نور نمی‌سازد، مگر آنکه خود را زیر پرتوهای درخشان خورشید عدالت بگذارند و به واسطه موهبت روح‌القدس خوانده، برگزیده و آماده گردند. وقتی مردانی که با امور مقدس سر و کار دارند زیر دست نیرومند خدا فروتنی کنند، خداوند ایشان را برافرازد. او ایشان را مردانی صاحب بصیرت می‌سازد — مردانی غنی در فیض روح خود. ویژگی‌های نیرومند خودخواهانه شخصیت‌شان، لجاجت‌شان، در نوری که از نور جهان می‌تابد آشکار خواهد شد. «به‌زودی نزد تو می‌آیم و چراغدانان را از جای خود برمی‌دارم، اگر توبه نکنی.» اگر خداوند را با تمام دل بجویید، او را خواهید یافت. ۲۳، Review and Herald، دسامبر ۱۸۹۰.

مرگ پیامبر یهودا هم به‌وسیله «شیر» بابل معاصر، که به‌عنوان نماد نبوی چشم‌انداز تاریخ نبوی را بنیان می‌گذارد، و هم به‌وسیله «الغ» بازنمایی می‌شود. نخستین اشاره به اسلام در کتاب مقدس زمانی است که اسماعیل به‌عنوان «انسانی وحشی» معرفی می‌شود.

و او مردی وحشی خواهد بود؛ دستش بر ضد همه خواهد بود و دست همه بر ضد او؛ و در حضور همه برادرانش ساکن خواهد شد. پیدایش ۱۶:۱۲.

قاعده نخستین ذکر در کتاب مقدس بیان می‌کند که همه ویژگی‌های نماد در همان‌جا گنجانده شده است، زیرا کلام خدا دانه‌ای است و دانه همه دی‌ان‌ای لازم را برای به ثمر رساندن تمام گیاه در خود دارد. واژه‌ای که به «مرد وحشی» ترجمه شده، همان واژه «الغ عربی وحشی» است. «الغ» در نوشتارهای حقیقت یکی از نمادهای اسلام است.

پیام حزقیال در باب سی‌وهفتم، که استخوان‌های مرده را زنده می‌کند و آنان چون سپاهی نیرومند برپا می‌ایستند، همان پیام اسلام وای سوم است، و آن پیام همان پیام فریاد نیمه‌شب ایام آخر است. خواهر وایت مستقیماً تعلیم می‌دهد که ورود پیروزمندان مسیح به اورشلیم نمایانگر پیام فریاد نیمه‌شب بود.

ندای نیمه‌شب چندان با استدلال پیش نمی‌رفت، هرچند برهان کتاب مقدسی آن روشن و قاطع بود. نیرویی برانگیزاننده همراهش بود که جان را به حرکت درمی‌آورد. نه شکی بود، نه پرسشی.

در هنگام ورود پیروزمندانۀ مسیح به اورشلیم، مردمی که از همه نقات سرزمین برای برگزاری عید گرد آمده بودند، به سوی کوه زیتون سرازیر شدند و چون به انبوه جمعیتی که عیسی را همراهی می‌کرد می‌پیوستند، شور آن لحظه را دریافتند و به بلندتر شدن فریاد افزودند: «مبارک باد آن که به نام خداوند می‌آید!» [متی ۲۱:۹]. به همین‌سان، نامؤمنانی که به گردهمایی‌های ادونتیس‌ها سرازیر می‌شدند—برخی از سر کنجکاو، برخی تنها برای تمسخر—نیز نیروی اقتناع‌کننده‌ای را که همراه آن پیام بود احساس کردند: «اینک داماد می‌آید!» روح نبوت، جلد ۴، ۲۵۰.

مکاشفۀ عیسی مسیح همان پیام نهایی است که در روزهای آخر مهرش گشوده می‌شود و اسلام «وای سوم» را نیز دربر می‌گیرد. وقتی مسیح، که همان پیام مهرگشوده است، وارد اورشلیم شد و بدین‌سان نماد فریاد نیمه‌شب روزهای آخر شد، او (یعنی پیامش) بر یک «الاغ» سوار بود. اسلام حامل پیام نهایی عدالت مسیح است.

اسلام بوده، هست و خواهد بود مردی وحشی، چنان که خر وحشی عربی آن را نشان می‌دهد، و هر کسی که بخواهد ببیند (و بسیاری هم هستند که نمی‌خواهند ببینند) می‌تواند به آسانی «تشخیص دهد» که جنگی که اکنون به دست اسلام پیش برده می‌شود جنون وحشیانه است. آمادگی برای خودکشی با این باور که در آخرت پاداش جنسی بزرگی در کار است، جنون شیطانی است. نخستین اشاره به اسلام بیان می‌کرد که اسلام مردی وحشی خواهد بود.

جنگ‌افروزی اسلام همه بشریت را گرد هم می‌آورد تا با جنگ تشدیدشونده «وای سوم» روبه‌رو شوند. اسلام منطق پیشگویانه برای اجرای یک حکومت واحد جهانی است و جهانی‌گرایان می‌گویند که آنها عامدانه یهودیان را پس از جنگ جهانی دوم به سرزمین اسرائیل بازگرداندند تا از نفرت دیرینه اسلام نسبت به یهودیان برای آغاز یک جنگ جهانی سوم بهره ببرند. جهانی‌گرایان باور دارند و دهه‌هاست چنین آموزش داده‌اند که برای برپایی حکومت واحد جهانی خود به یک جنگ جهانی سوم نیاز خواهند داشت. انگیزه‌های فاسد جهانی‌گرایان، آن‌گونه که در سخنان خودشان بیان شده، در نقش کتاب مقدسی اسلام می‌گنجد.

شاید جدی‌ترین جزء از دی‌ان‌ای پیشگویانه اسماعیل، در آیه‌ای که نخستین بار از او یاد می‌شود، این باشد که روح او - که روح یک «مرد وحشی» است - «در حضور همه برادرانش سکونت دارد.» این تصور که تنها برخی فرقه‌های اسلام افراطی در «وای سوم» دخیل خواهند بود، با کلام خدا سازگار نیست. دیدگاه رایج مطابق با ملاحظات سیاسی که می‌گوید در هر گرایش دینی چند «سیب گندیده» وجود دارد و این که اکثریت پیروان دین اسلام شهروندانی صلح‌دوست‌اند، نه با کتاب دینی خودشان و نه با کتاب مقدس همخوانی دارد.

قرآن تعلیم می‌دهد که وظیفۀ هر پیرو الله این است که سراسر جهان را با قانون شریعت منطبق کند، و نخستین اشاره به اسلام در سفر پیدایش می‌گوید که روح «مرد وحشی» اسماعیل در هر پیرو اسلام خواهد بود. قرآن به‌طور مستقیم به پیروانش می‌آموزد که هنگامی که در مناطقی زندگی می‌کنند که هنوز قدرت تحمیل حکومت دینی خود بر مردم را ندارند، تظاهر به نجابت کنند؛ درست مانند کاتولیسیم.

پیامبری از یهودا، در آغاز سلطنت یربعام، با او روبه‌رو شد. پروتستان‌تیسیم مرتد در سال ۱۸۴۴ آغاز شد و فوراً با ادونتیسیم میلری مواجه گردید؛ جریانی که به قدس‌الاقداص داخل شده و شریعت خدا را، از جمله سبت روز هفتم، کشف کرده بود. به ادونتیسیم میلری گفته شد، چنان که به وسیله آرمیا نمایانده شده است، به سوی خدا بازگردد، اما هرگز به «مجمع ریشخندکنندگان» بازنگردد. به پیامبر یهودا گفته شد که از همان راهی که آمده بود بازنگردد و از خوراک نبی دروغین بیت‌ئیل نخورد و ننوشد؛ اما او

چنین کرد. مرگ پیامبر یهودا به طور نمادین میان دو نماد قرار داده شد که نمایندهٔ پاپیت و اسلام بودند. ادونتیسیم لاودیکی نمی‌تواند آن دو حقیقت را ببیند؛ زیرا در سال ۱۸۶۳، چشم‌های روحانی خود را کور کردند و روند پوشاندن گوهرها و روش‌شناسی‌ای را که ویلیام میلر به کار گرفته بود آغاز کردند تا بنیان‌های ادونتیسیم را با سکه‌ها و جواهرات جعلی، و با روش‌شناسی پروتستانتیسم مرتد و کاتولیسیسم پی‌ریزی کنند.

"مردِ جاروی خاک" اکنون کفِ خانه‌اش را جارو می‌کند و جواهرات را بازمی‌گرداند و آنها را به میلر می‌دهد تا آنها را بر روی میز خودش بگذارد، اما ادونتیسیم به این باور کور شده است که آنان قوم باقی‌مانده‌ای هستند که در سال ۱۸۴۴ به عنوان قوم او برانگیخته شدند.

و در دل‌های خود مپندارید که بگویید: «ابراهیم را پدر خود داریم»، زیرا به شما می‌گویم که خدا قادر است از همین سنگ‌ها برای ابراهیم فرزندان برانگیزد. و اکنون نیز تبر بر ریشه درختان نهاده شده است؛ پس هر درختی که میوه نیکو نیاورد، بریده شده و به آتش افکنده می‌شود. من البته شما را با آب برای توبه تعمید می‌دهم؛ اما آن‌که بعد از من می‌آید از من تواناتر است؛ که من شایسته نیستم کفش‌های او را حمل کنم. او شما را با روح‌القدس و با آتش تعمید خواهد داد. ابزار بادزنی او در دست اوست و خرمنگاه خود را به کلی پاک خواهد کرد و گندم خود را در انبار گرد خواهد آورد؛ اما گاه را با آتشی خاموشی‌ناپذیر خواهد سوزاند. متی ۹: ۳-۱۲.

ادونتیسیم لاودیکی از دهان خداوند بیرون افکنده خواهد شد، جز آنانی که شاید توبه کنند. ادونتیسیم لاودیکی قرار است در همان قبری به خاک سپرده شود که قوم عهدِ سابقی که پیام میلر را رد کردند در آن به خاک سپرده شده‌اند، زیرا ادونتیسیم لاودیکی اکنون نیز در ارتباط با صد و چهل و چهار هزار، یک قوم عهدِ سابقی به شمار می‌آید. شورش ۱۸۶۳ به وسیله پیامبری که از یهودا آمد و همچنین پیشگویی‌ای درباره پادشاه یوشیا بر جای گذاشت، مصور می‌شود.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

به‌جای آن‌که شبیه جهان شویم، باید هرچه بیش‌تر از جهان متمایز گردیم. شیطان با کلیساهای همدست شده و همچنان خواهد شد تا تلاشی ماهرانه بر ضد حقیقت خدا سامان دهد. هر آنچه قوم خدا برای نفوذ در جهان انجام دهد، مخالفت قاطع نیروهای تاریکی را برخواهد انگیخت. آخرین نبرد بزرگ دشمن، قاطعانه‌ترین خواهد بود. این، آخرین نبرد میان نیروهای تاریکی و نیروهای نور خواهد بود. هر فرزند حقیقی خدا شجاعانه در جانب مسیح خواهد جنگید. آنان که در این بحران بزرگ اجازه می‌دهند بیش از آن‌که در جانب خدا باشند، در جانب جهان قرار گیرند، سرانجام خود را به کلی در جانب جهان خواهند گذاشت. کسانی که در فهم کلام دچار سردرگمی می‌شوند و معنای ضد مسیح را در نمی‌یابند، بی‌گمان خود را در جانب ضد مسیح قرار خواهند داد. اکنون زمانی برای همرنگ شدن با جهان نیست. دانیال در نصیب و جایگاه خود ایستاده است. نبوت‌های دانیال و یوحنا باید فهمیده شوند؛ آنها یکدیگر را تفسیر می‌کنند. آنها حقایقی را به جهان می‌دهند که هر کس باید آنها را درک کند. این نبوت‌ها باید در جهان گواهی دهند. به واسطه تحقیقتشان در این ایام آخر، خود تبیین خواهند شد.

خداوند در آستانهٔ کیفر دادن جهان به سبب شرارت آن است. او در شرف مجازات مجامع دینی است برای رد نوری و حقیقتی که به آنان داده شده است. پیام عظیمی که پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم را در بر می‌گیرد، باید به جهان اعلام شود. این باید محور کار ما باشد. کسانی که حقیقتاً به مسیح ایمان دارند، آشکارا مطابق شریعت یهوه رفتار خواهند کرد. سبت، نشانه میان خدا و قوم اوست، و ما باید با نگاه‌داشتن سبت، پیروی خود از شریعت خدا را آشکار سازیم. این باید نشان تمایز میان قوم برگزیدهٔ خدا و جهان باشد. وفادار بودن به خدا بسیار اهمیت دارد. این، اصلاح سلامت را در بر می‌گیرد. یعنی رژیم غذایی ما باید ساده باشد و در همه چیز میانه‌رو

باشیم. آن همه تنوع خوراکی که اغلب بر میزها دیده می‌شود، ضروری نیست، بلکه به شدت زیان‌آور است. ذهن و بدن باید در بهترین وضعیت سلامت نگاه داشته شوند. تنها کسانی که در معرفت و ترس از خدا تعلیم یافته‌اند باید برای به‌عهده گرفتن مسئولیت‌ها برگزیده شوند. کسانی که سال‌ها در حقیقت بوده‌اند، اما نمی‌توانند میان اصول پاک عدالت و اصول شر تمیز دهند، و فهمشان در باب عدالت، رحمت و محبت خدا تیره و مبهم است، باید از مسئولیت معاف شوند.

خدا برای قوم خود درس‌های مهمی دارد تا بیاموزند. اگر این درس‌ها پیش‌تر آموخته شده بود، کار او در جایگاهی که امروز هست قرار نداشت. یک کار باید انجام شود. نباید از بیم برانگیختن ناخشنودی آنان، حقیقت را از واعظان یا مردانی که در جایگاه‌های مسئولیت هستند پنهان کرد. لازم است در نهادهای ما مردانی باشند که با فروتنی و با حکمت، تمامی مشورت خدا را اعلام کنند. خشم خدا بر ضد کسانی افروخته شده است که در اطمینان نفسانی و غرور، تدبیر او را تحقیر کرده‌اند. آن‌ها پیشرفت این کار را به خطر می‌اندازند.

هر راه باطلی فریب است و اگر ادامه یابد، در نهایت به نابودی می‌انجامد. از این‌رو خداوند اجازه می‌دهد کسانی که بر طرح‌های باطل خود اصرار می‌ورزند نابود شوند. در همان هنگامی که ستایش و تملق به گوش می‌رسد، نابودی ناگهانی فرامی‌رسد. کسانی هستند که، با وجود آن‌که می‌دانند دیگران به سبب بی‌وفایی تویخ شده‌اند، از اندرز روی برمی‌تابند. اینان دوچندان گناهکارند. اراده خداوند را می‌دانستند و بدان عمل نکردند. کیفرشان متناسب با گناهشان خواهد بود. به کلام خداوند گوش فرا ندادند. مجموعه کرس، ۱۰۵، ۱۰۶.